

یادگاری‌های رسول

بازخوانی کارنامه زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور در عرصه سینمای دفاع مقدس

مهدی نریمان

۱



■ بازیگر: فرج‌الله سلحشور
■ فیلم: پرواز در شب

یکی از کاراکترهای ماندگار سینمای ملاقلی‌پور، «مهدی نریمان» است که نقش او را زنده‌یاد فرج‌الله سلحشور بازی کرده است. مهدی نریمان، فرمانده گردان کمیل است؛ گردانی که در محاصره دشمن گیر افتاده و آب هم تمام شده است. هیچ راه ارتباطی با بیرون نیست، تا این که نریمان خودش به خط می‌زند. زنده‌یاد سلحشور برای نمایش دو وجه مهم از شخصیت مهدی نریمان، چنان عمل کرد که گویی با یک فرمانده واقعی روبه‌رویم.

رحیم

۲



■ بازیگر: جمشید هاشم‌پور
■ فیلم: هیوا

«رحیم» مسئول کمیته تفحص و مقفودین است. دوست او ۱۵ سال پیش شهید شده اما همسرش هیوا نمی‌خواهد بپذیرد. در نهایت هیوا اصرار می‌کند به محل شهادت همسر برود. رحیم او را به تونل شهادت حمید می‌برد و اینجا است که داستان فیلم «هیوا» وارد فضای جنگ می‌شود. آنچه رحیم را در ذهن‌ها جاودانه کرده، شخصیت بانشاط و شوخ‌طبع او در شب عملیات است. هاشم‌پور یکی از بهترین بازی‌های خود در «هیوا» را به نمایش گذاشت.

مریم قندی

۳



■ بازیگر: عاطفه رضوی
■ فیلم: نجات‌یافتگان

«مریم قندی» امدادگر جنگ است و در مانگاه صحرایی مورد حمله قرار می‌گیرد. او می‌خواهد، یک مجروح قطع نخاعی را از مهلکه نجات دهد. ملاقلی‌پور امدادگر فیلمش را نه در پشت خاکریز، که در دل جنگ قرار داد. مریم برای نجات یک رزمنده قطع نخاع، پا در مسیری سخت می‌گذارد. عاطفه رضوی همه توانش را به خدمت می‌گیرد و چنان به مریم جان می‌دهد که گویی سرنوشت یک امدادگر واقعی در بحبوحه جنگ را شاهدیم.

منیژه خسروی منتقد

دفاع مقدس رویش‌های زیادی داشته که بخشی از آن در زمینه هنر به بار نشست است. جنگ فرصتی بود تا چهره‌های مختلف قدعلم کنند و هنرشان را به منصف ظهور بنشانند. یکی از این افراد، رسول ملاقلی‌پور است که در روزهای ابتدایی دوران دفاع مقدس، فعالیت هنری‌اش را با عکاسی شروع کرد و کمی بعد سراغ فیلم‌سازی رفت. نتیجه این تلاش در فیلم‌های کوتاهی مثل «شاه کوچک» تبلور یافت. اولین فیلم بلند ملاقلی‌پور، «نینوا» است که آن را با دوربین ۱۶ میلی‌متری کارگردانی کرد و خبر از یک استعداد تازه داد. این فیلم با حضور جمعی از بازیگران ناآشنا به سرانجام رسید که داستان رزمندگی نوجوان به نام «ابوالفضل» را روایت می‌کرد. فیلم شرحی است بر ایثار و جان‌فشانی رزمنده‌ها که بیش از همه تصاویر مستندگونه آن در یادها باقی مانده است.

بلمی به سوی ساحل / ۱۳۶۴

نام رسول ملاقلی‌پور بعد از ساخت «بلمی به سوی ساحل» در سال ۱۳۶۴ سر زبان‌ها افتاد. فیلم در شرایطی ساخته شد که جنگ تحمیلی هنوز ادامه داشت. به همین دلیل با اینکه دومین تجربه کارگردانی سازنده‌اش است، فضا و موقعیت‌های فیلم بسیار طبیعی از آب درآمده‌اند. «بلمی به سوی ساحل» نه تنها از نظر ساختاری و دراماتیک واجد ویژگی‌های قابل توجهی است، بلکه به بازنمایی یکی از زوایای مهم اشغال خرمشهر نیز می‌پردازد. نقطه ایجاد درام و مهم‌ترین عامل درگرفتن بحران در این فیلم، کارشکنی دولت وقت به ریاست بنی‌صدر، در ارسال تجهیزات دفاعی برای مدافعان خرمشهر است. از دیگر مشخصات این فیلم، یادبود شهید «محمد جهان‌آرا» است. داستان در اواخر مهرماه سال ۱۳۵۹، هنگامی که خرمشهر در خطر

سقوط قرار داشت، می‌گذرد. یک گردان از پاسداران به فرماندهی مرتضی برای کمک به رزمندگان این شهر از تهران حرکت می‌کنند و چون جاده‌های آن حوالی در دست عراقی‌ها هستند باید از بندر ماهشهر با هلیکوپتر خود را به خرمشهر برسانند اما کوشش او برای در اختیار گرفتن هلیکوپتر ناکام می‌ماند.... «بلمی به سوی ساحل» همچنان اثری شاخص درباره مظلومیت خرمشهر است؛ فیلمی که ملاقلی‌پور درباره‌اش گفت: «شنیده بودم که علی موحد بعد از سقوط خرمشهر تصمیم می‌گیرد با دو نفر برود آن طرف و بخشی را که دست عراقی‌ها بود، شناسایی کند که می‌رود و برمی‌گردد و جزو چندمین گروهی هم بود که این کار را می‌کردند. مساله برایم جالب بود، به‌خصوص اینکه چندتا از بچه‌های خرمشهر ماجرای رفتن و برگشتنشان را برایم تعریف کرده بودند. علی موحد بعد از سقوط خرمشهر می‌خواهد با گردان چهار به آنجا برود؛ هیچ راهی هم نداشت جز اینکه یا با هلیکوپتر برود یا با لنج. نماینده بنی‌صدر اجازه استفاده از هلیکوپتر را به نیروهای غیرارتشی نمی‌داد، با لنج هم مکافات بود چون باید ۴۸ ساعت راه می‌رفتند و این ۴۸ ساعت می‌توانست خیلی حیاتی باشد. علی موحد گردان چهار را با لنج می‌برد و این قضیه انگیزه من شد برای نگارش فیلم‌نامه بلمی به سوی ساحل.»

پرواز در شب / ۱۳۶۵

سومین فیلم داستانی ملاقلی‌پور، زاویه‌ای متفاوت به جنگ و رزمنده‌ها دارد. «پرواز در شب» حکایت کسانی است که با دست خالی برابر دشمن ایستادند و تا آخرین قطره خون از مام وطن دفاع کردند. داستان را که خاطرتان هست؛ یک گردان نیروهای ایران در محاصره قرار می‌گیرد و ارتباط آن با قرارگاه مرکزی قطع می‌شود و... ملاقلی‌پور در اوج زیبایی، مظلومیت و شجاعت رزمندگان را به تصویر کشید. خودش درباره آن گفته است: «پرواز در شب حاصل یک دوران تنهایی و خلوت من بود نسبت به گذشته‌ام و مرزی که من

را به سینمای حرفه‌ای وارد می‌کرد. اینکه تا به حال چطور رفته و چگونه بودم؟ اصلاً کی و کجا بودم و حالا قرار است کجا بروم. مثل باک ماشینی که خالی است و پت‌پت می‌کند، استارت که می‌زنی حدود دو، سه متر راه می‌رود. نیاز داشتم شارژ شوم و پرواز در شب من را شارژ کرد. باکم را پرکرد. درس خوبی به من داد. با قهرمانانش گریه می‌کردم، می‌جنگیدم و گاه حتی به آنها حسرت می‌خوردم. شاید یکی از علت‌های موفقیتش هم این بود که از یک پشتوانه تمام‌ناشدنی مثل نهج‌البلاغه در آن بهره بردم.»

افق / ۱۳۶۴

گام بعدی رسول ملاقلی‌پور در سینما هم بلند است. این بار او سراغ «افق» رفت که به دلیل سوژه نو و روایت خوب مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت و تبدیل به دومین فیلم پر فروش سال شد. فیلم «افق» درباره غواصانی است که قرار است طی عملیاتی اسکله «راداری» الامیه عراق را منهدم کنند. کارگردان در این فیلم برخلاف آثار گذشته، از نگاه صرفاً واقعی فاصله می‌گیرد و به نگاه استعاری پناه می‌برد. استفاده از صحنه‌های رویاگونه، تمهیدی است برای رسیدن به این نوع نگاه. «افق» با وجود ویژگی‌های مثبت و مخاطب‌پسند از سوی منتقدان چندان جدی گرفته نشد.

نجات‌یافتگان / ۱۳۷۴

بعد از پایان جنگ، جامعه شرایطی ویژه داشت. ملاقلی‌پور هم تصمیم گرفت به جای پرداختن به جنگ و قهرمان‌های آن، داستان‌هایی از دل شرایط روز اجتماع بیرون بکشد. حاصل آن سه‌گانه «مجنون»، «خسوف» و «پناهنده» شد. هر کدام از این آثار در زمان اکران با واکنش‌های متفاوت روبه‌رو شدند اما ملاقلی‌پور فارغ از تعریف‌ها و انتقادات کار خود را می‌کرد. پس از این سه فیلم او بار دیگر به عرصه دفاع مقدس بازگشت و فیلم متفاوت و تحسین‌شده «نجات‌یافتگان» را ساخت. فیلم ادای دینی است به پرستاران که در شرایط سخت جنگ و با کمترین امکانات فعالیت